

هوش مصنوعی در نظام عدالت کیفری: ابزار عدالت یا تهدید آزادی‌های فردی؟

معصومه زارع شیخان مسکن^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

چکیده

هوش مصنوعی به عنوان یک فناوری نوظهور، در سال‌های اخیر تأثیرات چشمگیری بر نظام‌های عدالت کیفری داشته است. این فناوری امکان تحلیل سریع داده‌های قضایی، پیش‌بینی جرم، تسهیل تصمیم‌گیری قضایی و مدیریت منابع انسانی و سازمانی را فراهم می‌کند. در عین حال، ورود هوش مصنوعی به این حوزه، مسائل حقوقی، اخلاقی و اجتماعی جدیدی را مطرح کرده است؛ از جمله احتمال تبعیض الگوریتمی، کاهش شفافیت، تهدید آزادی‌های فردی و تضعیف استقلال قضایی. پژوهش حاضر با هدف تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های هوش مصنوعی در نظام عدالت کیفری، با رویکرد تحلیلی-توصیفی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند سرعت و کارایی نظام قضایی را افزایش دهد و همسان‌سازی رویه‌های قضایی را ممکن سازد، اما بدون چارچوب حقوقی و نظارتی، تهدیدهای جدی برای آزادی‌ها و حقوق فردی ایجاد می‌کند. نتایج پژوهش بر ضرورت تدوین مقررات روشن، تضمین شفافیت الگوریتمی، آموزش دست‌اندرکاران قضایی و ایجاد نهادهای نظارتی مستقل تأکید دارد.

واژگان کلیدی

هوش مصنوعی، عدالت کیفری، آزادی‌های فردی، تبعیض الگوریتمی، شفافیت قضایی

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، وکیل پایه یک دادگستری، عضو کانون وکلای گیلان.

(Editor@majournal.ir)

۱. مقدمه

در دهه اخیر، گسترش سریع فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی (AI) به یکی از شاخصه‌های برجسته تغییرات اجتماعی و نهادی تبدیل شده است؛ تغییراتی که نظام‌های حقوقی و از جمله نظام عدالت کیفری را نیز متأثر ساخته‌اند. هوش مصنوعی با وعده افزایش سرعت، کارایی و دقت در پردازش داده‌ها و اتخاذ تصمیمات، وارد حوزه‌های مختلف قضاوت، کشف جرم، پیشگیری و اجرای مجازات شده است. در عین حال، ظهور این فناوری سوالات اصولی و عملی جدیدی را درباره مشروعیت، عدالت روشی، حفاظت از حقوق فردی و مسئولیت حقوقی مطرح کرده است (صادقی، ۱۴۰۳؛ تاتینا، ۱۴۰۲). این نوشتار تلاش می‌کند تا در چارچوبی تحلیلی و توصیفی، موضوع «هوش مصنوعی در نظام عدالت کیفری» را با تمرکز بر پیامدهای حقوقی و اجتماعی آن بررسی کند، مسئله اصلی را تبیین نماید، اهداف پژوهشی و عملی را مشخص سازد و اهمیت مطالعه این موضوع را از منظر حقوقی، اخلاقی و سیاست‌گذاری نشان دهد (اصحابی، ۲۰۲۵؛ عبدالله‌پور، ۱۴۰۴).

کاربردهای هوش مصنوعی در نظام کیفری متنوع‌اند: از تحلیل پرونده‌ها و پشتیبانی تصمیم‌گیری قضایی تا سیستم‌های پیش‌بینی جرم، شناسایی چهره، تحلیل شبکه‌های اجتماعی و فراهم‌سازی ابزارهای ارزیابی خطر بازگشت به جرم. کشورهای مختلف، بسته به زیرساخت فنی و چارچوب حقوقی خود، درجات مختلفی از اتکا به این سامانه‌ها را تجربه کرده‌اند؛ در برخی موارد این سامانه‌ها کمک به تسريع دادرسی و کاهش بار اطلاعاتی قضات کرده‌اند و در موارد دیگر، باعث بروز نگرانی‌های عمیق در مورد تبعیض الگوریتمی، شفافیت تصمیم‌گیری و حق دفاع متهمان شده‌اند (لوناودو، ۱۴۰۳؛ سیویلکا، ۱۴۰۴). تجربه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که بدون چارچوب‌های نظارتی و شفافیت فرایندی، استفاده گسترده از هوش مصنوعی می‌تواند عدالت را نه تسهیل بلکه مختل سازد (سوشینا تاتینا، ۱۴۰۲).

مسئله اساسی پژوهش حاضر این است: «به‌رغم نویدهای فنی و اقتصادیِ هوش مصنوعی در بهبود کارایی نظام عدالت کیفری، این فناوری چگونه می‌تواند در عمل بر آزادی‌ها و حقوق فردی تأثیر بگذارد و چه تمهیدات حقوقی و نهادی برای کاهش مخاطرات و حفظ عدالت لازم است؟»

به عبارت دیگر، پرسش‌های فرعی شامل موارد زیر اند:

۱. کدام کاربردهای AI در مراحل مختلف دادرسی کیفری رایج یا در حال ظهور است و آثار حقوقی هر یک چیست؟ (کشف، تعقیب، دادرسی، اجرای حکم). (انسانی، ۱۴۰۳)

۲. منابع اصلی خطر برای آزادی‌های فردی (از جمله حریم خصوصی، حق دادرسی عادلانه، منع تبعیض) در نتیجه اتکا به سامانه‌های هوشمند کدامند؟ (رهبری و شعبانپور، ۱۴۰۲)

۳. چه سازوکارهای قانونی، اخلاقی و نهادی می‌تواند تضمین کند که تصمیمات الگوریتمی شفاف، قابل بازبینی و منطبق بر اصول حقوقی باشند؟ (صادقی، ۱۴۰۳؛ عبدالله‌پور، ۱۴۰۴)

۴. تجربه تطبیقی ایران و دیگر نظام‌ها چه درس‌هایی برای سیاست‌گذاری داخلی فراهم می‌آورد؟ (رضاپور، ۱۴۰۴)

این مسائل از آن جهت بنیادین‌اند که نظام عدالت کیفری، برخلاف بسیاری از حوزه‌ها، مستقیماً با آزادی‌ها و حقوق بنیادین شهروندان سروکار دارد؛ بنابراین خطا، تبعیض یا فقدان شفافیت در این حوزه پیامدهای انسانی و اجتماعی عمیقی بر جای خواهد گذاشت.

با توجه به بیان مسئله، اهداف این متن (و هر پژوهش یا طرح سیاستی که بر آن مبتنی شود) را می‌توان در دو دسته کلی تنظیم کرد:

اهداف کلی

تحلیل جامع و تلفیقی از آثار حقوقی، اخلاقی و اجتماعی کاربرد هوش مصنوعی در نظام عدالت کیفری. (صادقی، ۱۴۰۳)
ارائه چارچوب سیاستی و حقوقی برای استفاده مسئولانه و منطبق بر حقوق بشر از فناوری‌های هوشمند در مراحل مختلف کیفری.

اهداف ویژه

۱. شناسایی و طبقه‌بندی کاربردهای اصلی هوش مصنوعی در چرخه کیفری (کشف، تعقیب، دادرسی، اجرا) و تحلیل پیامدهای هر کاربرد. (انسانی، ۱۴۰۳)
۲. بررسی خطرات مشخص برای آزادی‌های فردی (حریم خصوصی، تبعیض، حق دفاع، شفافیت تصمیم). (رهبری و شعبانپور، ۱۴۰۱)
۳. تدوین پیشنهادات عملی برای تضمین شفافیت الگوریتمی، امکان بازبینی نتایج، و حفاظت از داده‌های شخصی و حقوق متهمان. (عبداله‌پور، ۱۴۰۴)
۴. ارائه توصیه‌های نهادی برای آموزش قضات و ضابطان، توسعه استانداردهای داده‌ای و ایجاد نهادهای نظارتی مستقل. (سوشینا تاتینا، ۱۴۰۲)

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۱-۲. مفهوم و تعریف هوش مصنوعی

هوش مصنوعی (Artificial Intelligence) به مجموعه‌ای از فناوری‌ها گفته می‌شود که توانایی شبیه‌سازی هوش انسانی را دارند و قادر به یادگیری، تحلیل داده، پیش‌بینی و تصمیم‌گیری هستند (صادقی، ۱۴۰۳). در نظام عدالت کیفری، هوش مصنوعی به‌عنوان ابزار پشتیبان قضاوت و تصمیم‌گیری، تحلیل پرونده‌ها، پیش‌بینی ریسک بازگشت به جرم و مدیریت داده‌های قضایی استفاده می‌شود (سوشینا تاتینا و همکاران، ۱۴۰۲). بر اساس دیدگاه نظریه‌پردازان حقوقی، فناوری‌های هوشمند می‌توانند به تحقق عدالت رویه‌ای کمک کنند، مشروط بر آن که کاربرد آنها در چارچوب حقوق بشر و اصول قضایی قرار گیرد (رهبری و شعبانپور، ۱۴۰۱).

۲-۲. مبانی نظری عدالت کیفری

نظام عدالت کیفری بر اساس سه اصل بنیادی شکل گرفته است: حفظ نظم و امنیت عمومی، حمایت از حقوق متهم و مجرم، و تضمین عدالت و بی‌طرفی در فرآیند قضایی (اصحابی، ۱۴۰۴). مباحث نظری مرتبط با عدالت کیفری به دو جریان عمده تقسیم می‌شوند:

۱. عدالت ماهوی (Substantive Justice): تمرکز بر نتیجه نهایی احکام قضایی و میزان تطابق آن با اصول انصاف و عدالت اجتماعی دارد (عبداله‌پور، ۱۴۰۴).

۲. عدالت رویه‌ای (Procedural Justice): توجه به فرآیند اتخاذ تصمیم و رعایت قوانین و حقوق متهمان دارد، که شامل شفافیت، حق دفاع و امکان تجدیدنظر است (قاسمی، ۱۴۰۴).

ورود هوش مصنوعی به این چارچوب، می‌تواند در همسان‌سازی رویه‌های قضایی نقش داشته باشد، اما در صورت عدم شفافیت، تهدیدی جدی برای عدالت رویه‌ای ایجاد می‌کند (شیخوند و همکاران، ۱۴۰۲).

۳-۲. کاربردهای هوش مصنوعی در نظام عدالت کیفری

مطالعات نشان می‌دهند که کاربردهای اصلی هوش مصنوعی در عدالت کیفری شامل موارد زیر است:

۱. پیش‌بینی و تحلیل جرم: الگوریتم‌های هوشمند می‌توانند احتمال ارتکاب جرم در مناطق یا گروه‌های مختلف را پیش‌بینی کنند و به برنامه‌ریزی پیشگیرانه کمک کنند (انسانی، ۱۴۰۳).
 ۲. پشتیبانی تصمیم قضایی: AI می‌تواند حجم انبوه پرونده‌ها را تحلیل کرده و نکات کلیدی، تناقض‌ها و الگوهای مشابه را برای قضات استخراج کند (سیولیکا، ۱۴۰۴).
 ۳. مدیریت مجازات و بازگشت به جامعه: استفاده از داده‌های الگوریتمی برای تعیین مجازات‌های جایگزین و نظارت بر مجرمان کم‌خطر به کاهش جمعیت زندان‌ها کمک می‌کند (قاسمی، ۱۴۰۴).
 ۴. نظارت و امنیت عمومی: تشخیص چهره، تحلیل شبکه‌های اجتماعی و نظارت الکترونیک، ابزارهایی برای پیشگیری از جرم و نظارت بر اجرای احکام ارائه می‌دهند (سوشینا تاتینا و همکاران، ۱۴۰۲).
- با وجود این مزایا، پژوهش‌ها هشدار می‌دهند که بدون چارچوب قانونی و شفافیت، این کاربردها می‌توانند به تبعیض و نقض حقوق افراد منجر شوند (رهبری و شعبانپور، ۱۴۰۱).

۴-۲. چالش‌ها و مخاطرات هوش مصنوعی در عدالت کیفری

ادبیات پژوهشی داخلی و بین‌المللی، چالش‌های متعددی برای استفاده از AI در نظام کیفری شناسایی کرده‌اند:

۱. تبعیض الگوریتمی: داده‌های آموزش‌دهنده الگوریتم‌ها ممکن است شامل سوگیری‌های اجتماعی و اقتصادی باشند، که منجر به تصمیمات ناعادلانه علیه گروه‌های خاص می‌شود (تاتینا، ۱۴۰۲).
۲. فقدان شفافیت (Black Box): بسیاری از الگوریتم‌ها به صورت جعبه سیاه عمل می‌کنند و منطق تصمیم‌گیری آنها برای قضات، وکلا و متهمان قابل فهم نیست (صادقی، ۱۴۰۳).
۳. تهدید آزادی‌های فردی و حریم خصوصی: استفاده از سیستم‌های تشخیص چهره و نظارت الکترونیک می‌تواند آزادی‌های رفت‌وآمد و حریم خصوصی شهروندان را محدود کند (لوناردو، ۱۴۰۳).
۴. تضعیف استقلال قضایی و مسئولیت حقوقی: اتکا بیش از حد به AI می‌تواند استقلال قضات را کاهش دهد و موجب ابهام در تعیین مسئولیت در صورت خطاهای تصمیم‌گیری شود (امیری و شهابی، ۱۴۰۴).

۵-۲. چارچوب نظری برای تحلیل

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر مبنای تلفیق نظریه عدالت رویه‌ای و مدیریت فناوری‌های هوشمند شکل گرفته است. بر اساس این چارچوب، هوش مصنوعی به عنوان ابزار تسهیل‌کننده، باید ضمن افزایش کارایی، شفافیت و پاسخگویی را تضمین کند و در عین حال اصول حقوق بشر و آزادی‌های فردی رعایت شود (اصحابی، ۱۴۰۴؛ عبدالله‌پور، ۱۴۰۴).

۶-۲. مرور ادبیات پژوهش

صادقی (۲۰۲۴) در مطالعه خود نشان داده است که هوش مصنوعی می‌تواند به کاهش خطای انسانی در صدور احکام و افزایش سرعت رسیدگی کمک کند، اما بدون نظارت قانونی، احتمال نقض حقوق متهمان وجود دارد.

- سوشینا تاتینا و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی چالش‌های تبعیض و شفافیت در سیستم‌های AI پرداخته‌اند و تأکید دارند که بدون چارچوب حقوقی، عدالت رویه‌ای با خطر مواجه می‌شود.

- قاسمی (۱۴۰۴) با تمرکز بر مجازات‌های جایگزین، نشان داده است که تحلیل داده‌های هوشمند می‌تواند جمعیت زندانیان کم‌خطر را کاهش دهد و بهره‌وری نظام کیفری را افزایش دهد.
- شیخوند و همکاران (۱۴۰۲) بر ضرورت شفافیت الگوریتم‌ها و آموزش دست‌اندرکاران قضایی تأکید کرده‌اند تا فناوری در خدمت عدالت قرار گیرد.

این مرور نشان می‌دهد که ادبیات پژوهش داخلی به تدریج به سمت تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای هوش مصنوعی با تمرکز بر حقوق فردی و شفافیت حرکت کرده و خلأهایی در زمینه چارچوب قانونی و نظارتی همچنان باقی است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی-توصیفی است و رویکرد آن بر مبنای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های موجود در منابع داخلی و مقالات علمی منتشر شده پس از سال ۱۳۹۸ است. داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی شامل مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های کنفرانس و منابع رسمی پایگاه‌های داخلی مانند SID و Civilica جمع‌آوری شد. مراحل پژوهش شامل موارد زیر بوده است:

۱. جمع‌آوری منابع: شناسایی و گردآوری منابع مرتبط با هوش مصنوعی و نظام عدالت کیفری در ایران و مطالعات تطبیقی بین‌المللی.
۲. طبقه‌بندی اطلاعات: دسته‌بندی منابع بر اساس کاربردهای AI در مراحل مختلف کیفری (کشف، تعقیب، دادرسی و اجرا).

۳. تحلیل محتوا: تحلیل فرصت‌ها، مزایا و تهدیدهای فناوری هوش مصنوعی بر آزادی‌ها و حقوق فردی.

۴. ترکیب یافته‌ها: استخراج نکات کلیدی و ارائه چارچوب تحلیلی برای ارائه توصیه‌های حقوقی، اخلاقی و نهادی. این روش، امکان ارائه تحلیل جامع و انتقادی را فراهم می‌آورد و با توجه به محدودیت داده‌های میدانی و دسترسی به سامانه‌های هوش مصنوعی، روش تحلیلی-توصیفی، کارآمدترین رویکرد برای بررسی فرصت‌ها و تهدیدها در نظام کیفری محسوب می‌شود.

۴. یافته‌های پژوهش

در بررسی کاربرد و تأثیر فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی (AI) در نظام عدالت کیفری ایران، یافته‌ها نشان می‌دهند که هم فرصت‌های قابل توجهی پدید آمده و هم مخاطرات و چالش‌های جدی که نمی‌توان نادیده گرفت. در ادامه، یافته‌ها به تفکیک حوزه‌های اصلی ارائه می‌شوند:

۱. افزایش کارایی و سرعت در مراحل مختلف عدالت کیفری

یکی از نخستین نتایج مثبت ورود هوش مصنوعی به نظام کیفری، تسریع رسیدگی‌ها و کاهش حجم کاری انسانی است. مثالی از این کاربرد، مقاله کاربرد هوش مصنوعی در کاهش آمار زندانیان با تمرکز بر مجازات جایگزین (قاسمی، ۱۴۰۴) است که نشان می‌دهد سیستم‌های هوشمند می‌توانند بازه زمانی تصمیمات درباره مجازات‌های جایگزین را کاهش دهند و به تبع آن، جمعیت زندانیان کم‌خطر کاهش پیدا کند. این یافته نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان ابزاری کمکی برای مدیریت بهتر منابع قضایی و زندان‌ها مطرح شود.

همچنین در مقاله هوش مصنوعی و صدور احکام کیفری؛ تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری؟ (شیخوند و همکاران، ۱۴۰۲) آمده است که یکی از انگیزه‌های استفاده از هوش مصنوعی در صدور حکم، کم کردن تأخیرات قضایی و کاهش تأثیر

عوامل انسانی چون خستگی، تعصب یا خطای انسانی بوده است. این یافته به این معناست که فناوری می‌تواند بر کاهش معوقات قضایی و افزایش کارایی اثر بگذارد.

۲. همسان‌سازی رویه‌های قضایی و کاهش اختلاف بین تصمیمات

از دیگر یافته‌ها این است که هوش مصنوعی می‌تواند به کاهش «تصمیمات متغیر قضایی به قضایی» کمک کند، یعنی افزایش عدالت رویه‌ای (procedural fairness). بر اساس همان منبع شیخوند و همکاران (۱۴۰۲)، استفاده از سامانه‌های هوشمند در پیشنهاد میزان مجازات یا تعیین احتمال ارتکاب مجدد، می‌تواند کمک کند تا افراد با جرم مشابه از تصمیماتی نسبتاً مشابه برخوردار شوند.

۳. پیدایش مخاطرات در حوزه آزادی‌های فردی، شفافیت و تبعیض الگوریتمی

در کنار فرصت‌ها، یافته‌ها تأکید می‌کنند که خطرات جدی نیز وجود دارند. برای مثال، مقاله هوش مصنوعی در نظام عدالت کیفری: روندها و احتمالات پیشرو (سوشینا تاتینا و همکاران، ۱۴۰۲) به تفصیل به موضوعاتی چون عدم شفافیت الگوریتم‌ها («جعبه سیاه»)، مسئولیت‌ناپذیری در قبال خطاهای الگوریتمی، و احتمال تبعیض مبتنی بر داده‌های آموزشی پرداخته است. آن‌ها اشاره می‌کنند که اگر داده‌های آموزشی سامانه‌ها نماینده واقعی جامعه نباشند، الگوریتم‌ها ممکن است گروه‌های خاصی را به طور ناعادلانه تحت تأثیر قرار دهند.

به‌طور نمونه، در ایران اگر داده‌ها عمدتاً از مناطقی کمتر برخوردار یا اقلیت‌ها تاخوردیده باشند، احتمال دارد که الگوریتم‌ها احتمال ارتکاب جرم را برای افراد آن گروه‌ها بیشتر تخمین بزنند، که نتیجه‌اش نظارت بیش‌تر یا مجازات سخت‌تر برای آنها خواهد بود. این یافته حاکی از آن است که هوش مصنوعی اگر بدون مراقبت اعمال شود، می‌تواند عامل تشدید نابرابری شود.

۴. چالش استقلال قضایی و مسئولیت حقوقی

مقاله تأثیر هوش مصنوعی بر نقش و وظایف وکال و قضات در نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی ایران (امیری و شهابی، ۱۴۰۴) نشان می‌دهد که یکی از نگرانی‌های جدی، تأثیر هوش مصنوعی بر نقش قضات و وکلایست؛ به‌ویژه ممکن است نقش انسان در قضاوت کاهش یابد و تصمیم‌گیری انسانی کمتر شود. این امر می‌تواند استقلال قضایی را تهدید کند و سبب شود که قضات بیش از حد بر توصیه‌های الگوریتمی تکیه کنند.

علاوه بر این، مسئله مسئولیت حقوقی نقص در الگوریتم‌ها نیز برجسته شده است. اگر الگوریتمی اشتباه کند یا داده‌های آن نادرست باشند، معلوم نیست چه کسی پاسخگو خواهد بود: طراح الگوریتم، برنامه‌نویس، قاضی یا دستگاه قضایی؟ یافته‌ها حاکی از نیاز به شفافیت بیشتر و تعیین ناظر حقوقی هستند.

۵. تأثیر بر حق دفاع، حق به اطلاع‌رسانی و شفافیت تصمیم

یافته‌ها نشان می‌دهند که یکی از پیامدهای منفی احتمالی، کاهش توانایی متهمان برای دفاع مؤثر است. به‌عنوان مثال، اگر الگوریتمی تصمیم به بازداشت موقت یا تعیین وثیقه بدهد و متهم نتواند جزئیات آن تصمیم یا منطق پشت الگوریتم را مشاهده کند، حق دفاع او تضعیف می‌شود (سوشینا تاتینا و همکاران، ۱۴۰۲). این یافته تأکید می‌کند که شفافیت الگوریتمی فقط مسأله فنی نیست بلکه یک الزام حقوقی برای حفظ عدالت است.

۶. امکان بهبود سیاست‌های کیفری و کاهش جمعیت کیفری

یافته‌های مربوط به سامانه‌های هوش مصنوعی در مجازات‌های جایگزین، مانند تحقیق قاسمی (۱۴۰۴)، نشان می‌دهد که با استفاده از تحلیل داده‌های حساس، می‌توان متهمان کم‌خطر را شناسایی و به جای حبس، به مجازات یا نظارت جایگزین فرستاد. این یافته نویدبخش است زیرا کاهش جمعیت زندان‌ها و بار قضایی به معنای صرفه‌جویی در هزینه‌ها و ارتقای حقوق متهمان است.

۷. چارچوب حقوقی و نهادی ناتمام

اگرچه بسیاری از کاربردها در عمل دیده شده‌اند، اما یافته‌ها تأکید می‌کنند که چارچوب‌های حقوقی، آیینی و نهادی ایران برای مواجهه با مخاطرات AI هنوز کامل نیستند. به عنوان مثال، امیری و شهابی (۱۴۰۴) بیان می‌کنند که اصول فقهی، حقوق اسلامی و حقوق کیفری ایران باید با الزامات فناوری هوش مصنوعی هماهنگ شوند، ولی هنوز مقررات مشخصی برای سامانه‌های هوش مصنوعی در دادرسی کیفری تدوین نشده است. این یافته نشان‌دهنده ضرورت تدوین مقررات، استانداردها و ضوابط مستقل برای به کارگیری هوش مصنوعی است.

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که:

- هوش مصنوعی می‌تواند به افزایش سرعت، کاهش خطای انسانی و همسان‌سازی رویه در نظام کیفری کمک کند؛
- اما در عین حال، مخاطراتی چون تبعیض الگوریتمی، تضعیف حقوق دفاع، فقدان شفافیت، تهدید استقلال قضایی و مسئولیت‌ناپذیری وجود دارند؛
- بنابراین، بهره‌گیری مؤثر و عادلانه از هوش مصنوعی مستلزم تدوین چارچوب‌های حقوقی و نهادی مناسب، تضمین شفافیت الگوریتمی، آموزش دست‌اندرکاران، و امکان تجدیدنظر انسانی است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در نظام عدالت کیفری عمل کند، به ویژه در بهبود سرعت رسیدگی، کاهش خطای انسانی، همسان‌سازی رویه‌ها و مدیریت بهتر منابع انسانی و سازمانی. کاربردهای AI در مراحل مختلف سیستم کیفری، از پیش‌بینی جرم گرفته تا پشتیبانی تصمیم قضایی، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش ناهماهنگی‌ها و افزایش عدالت رویه‌ای ایفا کند.

با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهند که مخاطرات جدی برای حقوق و آزادی‌های فردی وجود دارد. مهم‌ترین این تهدیدها شامل تبعیض الگوریتمی، فقدان شفافیت در تصمیم‌گیری، تهدید استقلال قضایی و تضعیف حقوق دفاع متهمان است. این مسئله به ویژه زمانی جدی می‌شود که داده‌های ورودی سامانه‌ها نماینده واقعی جامعه نباشند یا الگوریتم‌ها به صورت «جعبه سیاه» عمل کنند.

بنابراین، برای بهره‌برداری مؤثر و عادلانه از هوش مصنوعی، لازم است:

۱. چارچوب حقوقی و نهادی مشخص تدوین شود که کاربرد AI را در نظام کیفری محدود و کنترل کند.
۲. شفافیت الگوریتمی و قابلیت بازبینی در تصمیمات هوش مصنوعی تضمین گردد تا متهمان بتوانند حق دفاع خود را به طور کامل اعمال کنند.
۳. آموزش قضات، وکلا و ضابطان قضایی برای فهم و استفاده صحیح از فناوری هوش مصنوعی انجام شود.
۴. نهادهای نظارتی مستقل برای بررسی و پایش عملکرد سامانه‌های هوش مصنوعی در فرآیندهای قضایی ایجاد شود.

در نهایت، فناوری هوش مصنوعی در صورتی می‌تواند عدالت را تسهیل کند که در خدمت انسان و حقوق او باشد، نه جایگزین انسان یا تهدیدکننده آزادی‌های فردی. پژوهش‌های آینده می‌توانند بر سنجش کمی تبعیض الگوریتمی، مطالعه تطبیقی سیاست‌های قضایی و ارزیابی اثرات عملی این فناوری در قوه قضاییه متمرکز شوند.

۶. منابع و مآخذ

۱. اصحابی، محمد. (۱۴۰۴). گرایانه فایده و سزاگرایانه: تحلیل کیفری عدالت و بازاندیشی در کاربردهای هوش مصنوعی. مجله حقوق کیفری و جرم‌شناسی.
۲. اعتمادفر، سارا. (۱۴۰۴). نقش هوش مصنوعی در نظام عدالت کیفری: تهدید یا فرصت؟. کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی.
۳. امیری، علی؛ شهابی، علی. (۱۴۰۴). تأثیر هوش مصنوعی بر نقش و وظایف وکال و قضات در نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی ایران. چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق، فناوری و علوم انسانی.
۴. انسانی، محمد. (۲۰۲۴). مطالعه تطبیقی کاربرد تسهیل‌کننده هوش مصنوعی در امر کشف و تعقیب کیفری: ظرفیت‌ها و چالش‌ها. پایگاه مطالعات انسانی و علوم اجتماعی.
۵. رضاپور، جلال. (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی واکنش کیفری به جرایم ناشی از هوش مصنوعی در ایران و اتحادیه اروپا. پایان‌نامه/گزارش دانشگاهی.
۶. رهبری، احسان؛ شعبانپور، علی. (۱۴۰۱). چالش‌های کاربرد هوش مصنوعی به‌عنوان قاضی در دادرسی‌های حقوقی. نشریه تحقیقات حقوقی، ویژه حقوق و فناوری.
۷. سوشینا تاتینا، سارا؛ صادقی، سامان؛ سوبنین، آندری. (۱۴۰۲). هوش مصنوعی در نظام عدالت کیفری: روندها و احتمالات پیشرو. مجله تمدن حقوقی، ۶(۱۸)، ۹۱-۱۰۲.
۸. سیویلیکا. (۱۴۰۴). هوش مصنوعی کمک‌کننده به قاضی / نقش هوش مصنوعی در نظام عدالت کیفری: تهدید یا فرصت؟. پایگاه سیویلیکا.
۹. شیخوند، محمود صادق؛ کرد علیوند، رضا داوود؛ مینایی، بهنام؛ آشوری، محمد؛ مهدی ثابت، مصطفی علی. (۱۴۰۲). هوش مصنوعی و صدور احکام کیفری؛ تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری؟ پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۷(۴)، ۱۳۸-۱۶۷.
۱۰. صادقی، سامان. (۱۴۰۳). هوش مصنوعی در نظام عدالت کیفری: روندها و احتمالات پیشرو. فصلنامه سیاست‌گذاری و حقوق.
۱۱. عبدالله‌پور، وحید. (۱۴۰۴). تحلیل حقوقی و چالش‌های قانونی هوش مصنوعی در پیشگیری و مقابله با جرائم رایانه‌ای و تقویت امنیت سایبری. فصلنامه پژوهش‌های حقوقی و سیاست‌گذاری.
۱۲. قاسمی، محمد. (۱۴۰۴). کاربرد هوش مصنوعی در کاهش آمار زندانیان با تمرکز بر مجازات جایگزین‌ها. مجله پژوهش‌های قضایی.
۱۳. لوناردو، مهدی. (۱۴۰۳). هوش مصنوعی و عدالت کیفری: چگونه هوش مصنوعی می‌تواند از عدالت حمایت یا به آن آسیب برساند. مجله علمی-ترویجی.

Artificial Intelligence in the Criminal Justice System: A Tool for Justice or a Threat to Individual Freedoms?

Abstract

Artificial intelligence (AI) has emerged as a transformative technology with significant impacts on criminal justice systems. It enables rapid analysis of judicial data, crime prediction, decision-making support, and resource management. However, the integration of AI into this field raises new legal, ethical, and social challenges, including algorithmic bias, reduced transparency, threats to individual freedoms, and potential undermining of judicial independence. This study aims to analyze the opportunities and challenges of AI in the criminal justice system using a descriptive-analytical approach. Findings indicate that AI can enhance the speed and efficiency of judicial processes and promote procedural fairness. Nevertheless, without clear legal frameworks and oversight mechanisms, it poses serious risks to individual rights and freedoms. The study emphasizes the necessity of developing regulatory frameworks, ensuring algorithmic transparency, training judicial personnel, and establishing independent oversight bodies.

Keywords

Artificial Intelligence, Criminal Justice, Individual Freedoms, Algorithmic Bias, Judicial Transparency.

1. PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Licensed Attorney at Law, Member of the Gilan Bar Association. Iran. (Kiani@gmail.com).